

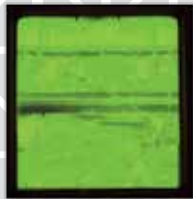


گرانینگاه تربیت

محمد رضا حشمتی

مدرسه کانون اصلی آموزش و پرورش است. رسالت مدرسه آموزش عمومی است؛ آموزش عمومی مدرسه‌ای یعنی زمینه‌سازی، تدبیر و داشتن برنامه تأمین نیازهای هر دانش‌آموز برای رشد او در تمام ابعاد وجودی. اگر مدرسه این کار، یعنی آموزش عمومی، را انجام ندهد، به مأموریت خود عمل نکرده است. به عبارت دیگر، اگر مدرسه به یکی از ابعاد رشد بپردازد و به پندار خود، دانش‌آموزان را در آن بعد به تعالی برساند، ولی تربیت متعادل و متناسب با رشد همه‌جانبه را فراهم نکند، مأموریت اصلی آن بر زمین مانده است.

یکی از مهم‌ترین مفاهیم سند تحول بنیادین، ساحت‌های شش‌گانه «دینی اخلاقی، علمی فناورانه، هنری زیبایی‌شناختی، اقتصادی حرفه‌ای، اجتماعی سیاسی، و زیستی‌بدنی» است. این ساحت‌ها زمینه‌های اصلی رشد دانش‌آموزان هستند. بر این اساس می‌توانیم بگوییم، مدرسه فضایی است برای زندگی، یادگیری زندگی و آمادگی برای زندگی کردن در آینده نزدیک و دور. از سوی دیگر، رویکرد سند برنامه درسی ملی به معلم و دانش‌آموز چنین است:



نقش اساسی دارد.

۶. در فرایند یاددهی یادگیری و تربیت‌پذیری و توسعه شایستگی‌های خویش به لحاظ ذاتی نقش فعال دارد.

۷. دارای قابلیت‌ها، تجربه‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های گوناگون است.

حال سؤال اصلی این است: چه کسی باید مدیریت «توجه به رشد همه‌جانبه» دانش‌آموزان و ایجاد هماهنگی بین عوامل متکثر تربیتی (معلمان، والدین و کارکنان مدرسه) را برعهده گیرد؟ پاسخ ما به این سؤال، یادآوری سمتی سازمانی در مدرسه به نام «معلم راهنما» است. لازم به ذکر است، در مدرسه‌های گوناگون سمت‌های دیگری مانند مسئول پایه و مشاور پایه نیز دیده می‌شوند.

معلم راهنما

معلم راهنما مدیر و راهبر تربیتی عوامل تأثیرگذار بر تربیت (معلمان، گروه مدیریتی مدرسه و والدین) دانش‌آموزان یک پایه در مدرسه است. این مفهوم و جایگاه دیرزمانی است در بعضی از مدرسه‌ها وجود دارد.

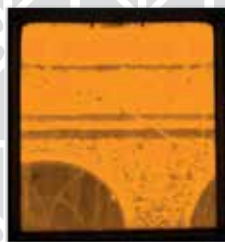
تفاوت مشاور با معلم راهنما

جایگاه و وظایف مشاور مدرسه با معلم راهنما متفاوت است. مشاور منتظر مراجع است، اما معلم راهنما منتظر مراجع نیست، بلکه وظیفه خود را راهبری تربیتی دانش‌آموزان پایه‌ای می‌داند که مسئولیتشان را برعهده دارد. مشاور معمولاً درگیر حل مسائل و مشکلات دانش‌آموزانی است که سلامت روانی آنان آسیب دیده یا در معرض آسیب هستند، اما معلم راهنما در کنار کمک به این افراد و ارجاع آنان به مشاوران، مسئولیت رشد دانش‌آموزانی را برعهده دارد که مشکلی ندارند. نقش معلم راهنما بیشتر پیشگیری است تا درمان.

معلم راهنما برای ایفای نقش تربیتی خود نیازمند کسب دانش‌ها و مهارت‌های گوناگون است. به همین دلیل دانش‌اندوزی، کسب تجربه‌های دیگران و مطالعه مداوم از ضروریات کار او خواهد بود. بر این اساس، ضروری است معلم راهنما در زمینه‌های روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی تربیتی، مشاوره، برنامه درسی و مخاطب‌شناسی دانش‌ها و مهارت‌های لازم را داشته باشد.

معلم راهنما در طرح تربیتی مرحوم استاد رضا روزبه

استاد رضا روزبه، مدیر مدرسه علوی در دهه ۴۰، علل و عوامل طرح معلم راهنما برای دوره متوسطه را چنین بیان کردند:
- تخصصی شدن درس‌ها و در نهایت هر درس با یک معلم؛
- تکالیف معلمان برای دانش‌آموزان و بی‌اطلاعی معلمان از میزان حجم تکالیف یکدیگر؛



معلم در سند برنامه درسی ملی:

۱. در مسیر راه انبیا و ائمه اطهار (ع)، اسوه‌ای امین و بصیر برای دانش‌آموزان است.
۲. با شناخت و بسط ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی، زمینه درک و انگیزه اصلاح مداوم موقعیت آنان را فراهم می‌سازد.
۳. زمینه‌ساز رشد عقلانی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان است.
۴. راهنما و راهبر فرایند یاددهی یادگیری است.
۵. برای خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی مسئولیت تطبیق، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی و تربیتی در سطح کلاس را برعهده دارد.
۶. یادگیرنده و پژوهشگر آموزشی و پرورشی است.

دانش‌آموز در سند برنامه درسی ملی:

۱. امانت الهی و دارای کرامت انسانی است.
۲. فطرت الهی در وجود او نهفته است و قابلیت شکوفایی و فعلیت یافتن دارد.
۳. همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کرده و با انتخاب احسن خود در راستای اصلاح حرکت نماید.
۴. توانایی انتخاب، تصمیم‌گیری و خویش‌داری دارد و می‌تواند با محیط یادگیری رابطه تعاملی برقرار کند و تابع بی‌چون و چرا و مقهور محیط نیست.
۵. از اراده و انگیزه برخوردار است که در فرایند یاددهی یادگیری

۳. نسبت به دانش‌آموزان باگذشت باشد (فَاعْفُ عَنْهُمْ).
 ۴. در صدد کسب رحمت و غفران الهی برای دانش‌آموزان باشد (واستغفرلهم).
 ۵. با دانش‌آموزان مشورت و مشاوره و از آنان نظرخواهی کند (و شاورهم).
 ۶. عنداللزوم قاطع، مصمم و با توکل به خدا قضا یا را حل و فصل کند (عزمت).
- به تعبیر یکی از شاگردان استاد روزبه، **دکتر علیرضا رحیمیان**، جوهر معلم راهنما دلی بودن کار اوست. درون‌مایه‌های هر معلم راهنما مهم‌ترین سرمایه‌های او هستند. او دانش‌آموزان را در شعاع خویش گرما می‌دهد و رشید می‌کند.

نمونه‌ای از سایر کشورها

با جست‌وجو در نظام‌های آموزش و پرورش سایر کشورها شاهد نمونه‌هایی نزدیک به الگوی معلم راهنما در سایر کشورها هستیم. انجمن مشاوران مدرسه‌های آمریکا (ASCA) در سال ۲۰۰۳ اولین ویرایش برنامه مشاوره مدرسه را تدوین کرد. این برنامه در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۲ کامل‌تر شد. هدف اصلی این برنامه ایجاد هماهنگی در زمینه مشاوره بود. این انجمن با تمام قوت اعلام کرد یک نفر باید در مدرسه مسئول پیگیری رشد تک‌تک دانش‌آموزان در حوزه‌های تحصیلی، شغلی و فردی اجتماعی باشد. انجمن در تعریف مشاوره آورده است: «مشاوران مدرسه در حکم یک تیم تربیتی هستند. آن‌ها با معلمان، بخش‌های اجرایی، مدیران و خانواده‌ها مشورت و هماهنگی می‌کنند تا اطمینان یابند برنامه‌های مدرسه فرایند تعلیم و تربیت را تسهیل و تک‌تک دانش‌آموزان موقعیت‌های موفقیت در تحصیل را پیدا می‌کنند. آن‌ها بخش‌های جدایی‌ناپذیری از مجموعه تلاش‌های مدرسه هستند تا محیط یادگیری مطمئنی در آن به وجود آید و از حقوق فردی تمام اعضای جامعه مدرسه حفاظت شود.»

آنچه امروزه با عنوان مشاور در سند آن انجمن آمده است، در اوایل قرن بیستم به‌عنوان راهنمایی شغلی آغاز به کار کرد. ولی با گذشت زمان و ورود نسل‌های فکری دیگر، مشاوره مدرسه از موضوعات اقتصادی به مسائل روان‌شناختی، با تأکید بر سازگاری فردی، سوق پیدا کرد.

خلاصه الگوی انجمن مشاور مدرسه‌های آمریکا

- دستیابی برابر تمام دانش‌آموزان به تربیت مناسب؛
 - مشخص شدن دانش‌ها و مهارت‌هایی که تمام دانش‌آموزان باید در طول تحصیل کسب کنند؛
 - خدمت‌رسانی نظام‌مند به تمام دانش‌آموزان؛
 - تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات.
- در این الگو آمده است، مشاوران با دانش‌ها، مهارت‌ها و بینش‌هایی که دارند، اطمینان حاصل می‌کنند که دانش‌آموزان در سه بعد تحصیلی، شغلی و رشد فردی اجتماعی پیشرفت کنند. به‌طور کلی، در این الگو، مشاور به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم به دانش‌آموزان، والدین و کارکنان مدرسه خدمت‌رسانی می‌کند.



پرورنده معلم راهنما

- اعمال سلیقه‌ها و افکار گوناگون و گاه متضاد بر دانش‌آموزان؛
 - مواجهه دانش‌آموزان با چند معلم در برنامه آموزشی مدرسه؛
 - بی‌سرپرستی و رها بودن دانش‌آموز در آشفته‌بازار مدرسه، منزل و جامعه؛
 - سردرگمی دانش‌آموزان در برابر چندگونگی افکار و سلیقه‌های معلمان؛
 - وجود مشکلات درونی و بیرونی دوران بلوغ سنی دانش‌آموزان و بی‌پناهی آنان؛
 - وجود مشکلات شناخت استعداد، هدایت تحصیلی و شغلی، بدون وجود راهنما.
- در نگاه مرحوم استاد روزبه، هدف کلی «معلم راهنما» تربیت و تعلیم، یا تزکیه و تعلیم دانش‌آموزان است. ایشان بر اساس آیه ۱۵۹ سوره آل عمران بر این باور است که معلم راهنما بر دانش‌آموزان، چون پیامبر الهی بر امتش، رسالت دارد تا آنان را به قله‌های رفیع مکارم اخلاق رهنمون شود و در این راه راهنمایی بصیر و خبیر باشد.

شرایط معلم راهنما

- معلم راهنما باید خَلَقاً، خُلُقاً و اخلاقاً به این صفات آراسته باشد:
۱. نسبت به دانش‌آموزان راحت و نرم‌خو باشد (لنّت لهم).
 ۲. نسبت به دانش‌آموزان خشن و سخت‌دل نباشد (فظا غلیظ القلب).

خدمات مستقیم او عبارت‌اند از:

۱. **برنامه درسی اصلی مشاوره مدرسه:** این بخش شامل درس‌های ساختار یافته‌ای است که طراحی شده‌اند تا برای رسیدن دانش‌آموزان به شایستگی‌های مطلوب به او کمک کنند. مشاور یا دیگر دبیران متخصص این درس‌ها را به صورت نظام‌مند و عمومی تدریس می‌کنند.

۲. **برنامه‌ریزی فردی:** در طول این فعالیت مشاوران به دانش‌آموزان کمک می‌کنند اهداف شخصی خود را تعیین کنند و برنامه‌های آتی را توسعه دهند.

۳. **خدمات واکنشی:** خدماتی برای رفع دغدغه‌ها و نیازهای فوری دانش‌آموزان شامل مشاوره فردی، تشکیل گروه‌های کوچک و پاسخ‌دادن به بحران هستند. بعضی از دانش‌آموزان به کمک بیشتری نیاز دارند و از مداخلات ویژه پیشگیرانه استفاده خواهند کرد.

خدمات غیرمستقیم مشاوران در طرح ASCA شامل ارجاع به متخصصان در زمینه خدمات آموزشی، یا مشاوره‌های شغلی یا رشد فردی اجتماعی است. همچنین مشورت‌دهی به افراد در مواجهه با دانش‌آموزان، همکاری با والدین، معلمان، مربیان و سازمان‌های اجتماعی.

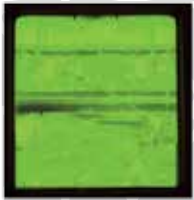
با مقایسه موارد مطرح شده در طرح ASCA با نظام معلم راهنمایی، به این واقعیت پی می‌بریم که معلم راهنما نقش هماهنگی و مدیریت فعالیت‌های تربیتی (آموزشی و پرورشی) حول دانش‌آموزان و ایجاد هماهنگی بین جامعه، عوامل مدرسه، خانواده و دانش‌آموز را بر عهده دارد. به عبارت دیگر، معلم راهنما «مدیریت منابع متکثر تربیتی» را بر اساس این اصول بر عهده دارد:

- تمرکز در تصمیم‌گیری؛
- تمرکز در گردآوری اطلاعات؛
- تمرکز در انتخاب روش و ارائه به سایر عوامل مؤثر در تربیت، به ازای نقش هر یک؛
- توجه به رشد همه‌جانبه؛
- توجه به تفاوت‌های فردی؛
- همراهی با برنامه‌های متعدد و متنوع مدرسه؛
- ارتباط مستمر؛
- تقدم پیشگیری بر درمان؛
- تقدم راهنمایی بر مشاوره.

به تعبیر دکتر محمود امانی «در نگرش نظام‌دار به سازمان مدرسه، مدرسه نهادی است متشکل از دانش‌آموزان، معلمان، والدین، برنامه‌های درسی، مواد آموزشی، قوانین و مقررات، فضا، تجهیزات فیزیکی و محیط پیرامونی». این اعضا با هم مرتبط هستند و بر هم تأثیر و تأثر متقابل دارند. اگر بخواهیم از شکلی هندسی برای ترسیم نهاد مدرسه کمک بگیریم، می‌توانیم هرمی را در نظر بگیریم که قاعده‌ای چندضلعی دارد. اعضای نهاد مدرسه رأس‌های این چندضلعی را تشکیل می‌دهند و خط‌های بین رأس‌ها نماد ارتباط بین اعضا هستند. در رأس یا قله این هرم اهداف تربیتی اسلام، یعنی دستیابی به سطوح و مراتبی از حیات



فِيمَا رَحِمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا
غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ
وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ
فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ
(آیه ۱۵۹ سورة آل عمران)



طبیعی، قرار دارد. البته این هدف غایی، در سطح عملیاتی، دستیابی به سطح قابل قبولی از رشد در ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت (اعتقادی و اخلاقی، علمی و فناورانه، هنری و زیباشناختی، زیستی و بدنی، اقتصادی و حرفه‌ای، سیاسی و اجتماعی) در نظر گرفته می‌شود.

معلم راهنما عضوی از این نهاد است. اما جایگاه او نه بر قاعده هرم و در کنار سایر اعضا، بلکه قدری بالاتر از قاعده، در مرکز ثقل یا گرانیگاه هرم است؛ جایگاهی که به او امکان می‌دهد نوابری سازمان را برای به حرکت درآوردن اعضا به منظور نیل به اهداف عالی آن در دست گیرد. با چنین نگرشی، معلم راهنما خود یک مدیر است؛ مدیر تربیتی گروه معینی از دانش‌آموزان.

بدهی است، اجرای چنین نقشی مانند هر مسئولیت مدیریتی دیگری چهار بخش اصلی دارد: «شناخت»، «برنامه‌ریزی»، «سازمان‌دهی و اجرا»، «ارزشیابی».

پی‌نوشت

1. American School Counselor Association

منابع

۱. ابطحی، سید عبدالحمید؛ معینی، محمد حسین؛ نوری، محسن. ضیایی موبد، محمد (۱۳۹۹). روایت علیرضا رحیمیان از معلم راهنما در مکتب تربیتی دو استاد. مؤسسه مطالعات تعالی نسل نواندیش. نشر بهشت. تهران.
۲. هیچ، تریش (۱۳۹۵). الگوی ملی ASCA چارچوبی برای برنامه مشاوره مدرسه. ترجمه محمد ضیایی مؤید و ابوالفضل فیروزمنش. رسا. تهران.
3. Education Review Office. (2012). Evaluation at a glance: Transitions from primary to secondary school. Wellington: Education Review Office.